

واقعاً پیشگیری مقدم بر درمان است؟

میسافرانی، دانشجوی بهداشت عمومی در نشریه دانشجوی «مطین» که در دانشگاه علوم پزشکی سراب منتشر می‌شود، نوشته است: «وزارت بهداشت درمان محور؟

ماهیت جمله‌ای چون پیشگیری مقدم بر درمان است» خیلی وقت است که نمود عینی ندارد. در همه کشورهای پیشرفته دنیا با شاخص‌های توسعه انسانی بالا، بودجه و سرمایه‌ای که برای قسمت بهداشت در نظر می‌گیرید، چندین برابر بودجه بخش درمان است و نتیجه منطقی آن کاهش بیماری‌ها، حوادث، کاهش هزینه درمان، کاهش مرگ‌ومیر... است.ولی در ایران همواره برعکس این مورد اتفاق می‌افتد.

- چرا باید پیشرفت تکنولوژی تعداد بیماری‌ها و بیمارستان‌ها باید دو برابر چند سال قبل باشد و نیاز به درمان مردم چندین برابر شود؟

- چرا باید در طرح حاشیه شهر تحول نظام سلامت اقدام به جذب ماما و پرستار به جای نیروهای بهداشتی شود؟

- چرا همواره دفعه‌ها اصلی دولت و وزارتخانه کمبود پرستار و پزشک بوده و عملاً هیچ اقدامی جهت جذب کارشناسان بهداشت و تکمیل یا افزایش نیروی بهداشتی مراکز بهداشتی- درمانی صورت نگرفته است؟ (حال این سوال مطرح

می‌شود که اگر فارغ التحصیلان بهداشت جایگاهی در نظام سلامت مدنظر وزارتخانه ندارند، چرا سالیانه اقدام به پذیرش هزاران دانشجو در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور می‌کنند؟)

- چرا باید حجم عظیمی از بودجه سالانه سلامت کشور صرف حوزه درمان شود؟

- چرا دستور تشکیل نظام بهداشت داده نمی‌شود؟

- چرا طرح‌های وزارتخانه از جمله طرح تحول سلامت بیشتر به

سستی سوق پیدا کرد که جیب پزشکان کشور پرتر شود؟

آیا در یک نظام سلامتی که شعار پیشگیری مقدم بر درمان

است، درآس اهداف خود قرار داده، نباید شاهد وجود جایگاهی

برای فارغ التحصیلان خط مقدم پیشگیری باشیم؟ از طرفی دیگر

نیروهای درمانی همچون پرستاران و ماماها امروزه به‌عنوان

متولیان بهداشت فعالیت می‌کنند و عملاً فعالیت کارشناسان

بهداشت در مراکز بهداشتی به انحطاط رفته است.

آنچه امروزه در حوزه دانشجویان این رشته شاهد هستیم، به هیچ عنوان

مورد نیاز دانشجویان بهداشت نیست. برای مثال دانشجویان بهداشت

از ابتدای تحصیل، وارد شاخه کاری خود در مراکز بهداشتی- درمانی

نمی‌شوند و این نامرجم بودن دانشجویان به زمینه کاری‌شان نمی‌تواند

برای دستیابی به اهداف آموزشی لازم، مناسب باشد.

امروزه متخصصان بهداشت عمومی تنها با قطع کارشناسی می‌توانند علوم

بهداشتی تخصصی را بیاموزند و کشور ایران جزء معدود کشورهایی است که

تحصیلات تکمیلی مرتبط با بهداشت عمومی ندارد.»

آسیب‌های پنهان خصوصی‌سازی مدارس

سپاسشهرساری و مقاله‌ای با عنوان «آموزش عمومی صرفا برای یک‌قشر خاص» در نشریه «وقایع اتفاقیه» دانشگاه علوم پزشکی کرمان می‌نویسد:

«امروزه و با سیاست‌های فعلی دولت شاهد حذف طبقه متوسط و ایجاد شکاف عمیق طبقاتی بین دو قشر فقیر و غنی هستیم. آموزش و پرورش

کشور ما به یک امر پرهزینه تبدیل شده است. با پولی‌سازی مدارس با کیفیت که خود ناشی از سیاست‌های ۳۰ ساله غلط

است، آموزش در کشور به یک کالا تبدیل شده، در این سه

دهه گونه‌های مختلفی از خصوصی‌سازی به اجرا درآمده که

تأسیس و گسترش مدارس غیرانتفاعی، خصوصی‌سازی پنهان (نمایش‌سازی) در مدارس دولتی و شهریه‌ای کردن آن، واگذاری

مدارس دولتی، خرید خدمت از بخش خصوصی... نمونه‌هایی

از آنهاست. این روند موجب شده است تا امروزه آموزش عمومی

مهم‌ترین معرف شکاف طبقاتی در جامعه باشد. به‌طوری‌که در

سال ۱۳۹۵ خراج آموزشی دهک پردرآمد، بیش از ۴۷ برابر دهک

کم‌درآمد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۶ به بیش از ۵۵ برابر

رسیده است. این همه به‌طور کلی با اصل سیم قانون اساسی که

بیان می‌دارد «دولت موظف است وسایل آموزشی و پرورش را بگنجان رابرای

همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد وسایل تحصیلات عالی

را سرتا خود نگذایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد». متناقض

است. وظیفه دولت ایجاد آموزش برابر و رایگان برای تمام اقشار جامعه

است اما امروزه شاهد نقض آشکار این قانون هستیم. با پولی‌سازی

مدارس با کیفیت و صنعت کشور به تدریج امکان حضور اقشار کم‌درآمد

در جامعه سلب می‌شود.»

شوخی یا ترم‌اولی بیچاره

ماهانسه روشی» که در دانشگاه یزد منتشر می‌شود در بخشی از مطالب خود خاطرات طنز دانشجوی را هم چاپ کرده است. نگین زارعی خاطره

جالبی را در این نشریه یادآوری کرده و نوشته است:

«اول ترم بودم و ما توی قسمت ثبت‌نام ورودی جدیدها مشغول بودیم. در واقع ما غول مرحله آخر بودیم که مدارک مربوط به کارنامه سلامت بچه‌ها رو

چک می‌کردیم و اگه کامل بود، برای معاینه نهایی پیش پزشک

می‌رفتم.

روند کار خیلی ساده بود، فرم‌هایی که از سایت گرفته بودن

رو پر می‌کردن و نویت می‌گرفتم، می‌رفتم داخل و بعد ما

امضای نهایی رو می‌زدیم.

اما خب همین فرآیند ساده تبق‌های مخصوص خودش داشت.

اما بهترینش به صفری عزیزتی بود که از همون اول شانس باهانی

را تنیده که در نهانیت ما می‌تونستیم همون اندازه که سر ورودی

جدید بودن خودمون تا کامی کشیدیم، الان سر اون خالی کنیم.

تقریباً آخرین فرمی بود که اون روز باید کارش رو می‌انداختیم، واسه

همین اون تا کامی گذاشته با خسنگی آخر وقت تشدید می‌شد. بعد از

کلی گشتن بین مدارک به پرونده صورتی رنگ بهمون داد، خب البته

همین اون فکر می‌کرد منظور ما از فرم‌های سلامت، کارنامه سلامت دبستان

و اونهاییه که نمودار درصد رشد وزن و داخلش ثبت می‌کردن! بعد

از نشون دادن نمونه نشانه بالاخره تونست پیداش که رفت داخل برای

معاینه، مشکلی نداشت و نیاز به امضای نهایی ما بود، اما خب ما آدمای

مریضی بودیم؛ وقتی اومد بیرون یکی از دوستان گفت حالا باید سلامت

عمومیتر رو چک کنیم. شفا لظاً ۱۰ تا نشین پاشو انجام بدم.

واقعاً کرد نمی‌کردیم جواب بد ما اون ۱۰ تا نشین با شورفت و وقتی تموم

شد شفت الان خسته‌ام و گرته بخرم می‌تونم برم!

خلاصه ما این عزیز رو بدرقه کردیم، دو دقیقه بعد یکی از مراجع‌های قبلی

اومد و گفت: ببخشید من نشین پاشو نرفتم. کسری مدارک نمی‌خورم؛»

تغییرات محسوس دانشگاه

سعیدرضا غنیشباتی، دانشجوی جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی در نشریه «سلام» در نقدی پیرامون فعالیت‌های دانشجویی نوشته است:

صنف به جای سیاست:

با افزایش هزینه‌های فعالیت‌های سیاسی دانشجویی هم‌اکنون بخش قابل توجهی از دانشجویان حمایت از فعالیت‌های صنفی را به‌عنوان

روشی کم‌خطرتر و فراگیرتر برگزیده‌اند. اینکه بتوانند با پرداخت

هزینه کمتر در پهنود زندگی ملموس دانشگاهی موثر باشند.

اعتراف به پولی‌شدن آموزش عالی، سنوات آموزشی، کیفیت

نارل غذاها و خوابگاه‌ها، آیین‌نامه‌های پوشش و لغو برخی

مراسم دانشجویی از محورهای جدید فعالیت‌های صنفی در

دانشگاه محسوب می‌شود.

آکادمی به جای دانشگاه:

درحالی که در دهه‌های پیشین دانشجویان به‌عنوان کانئون

فعالیت‌های سیاسی معرفی می‌شد، کم‌رنگ‌شدن جذابیت‌های

سیاسی در ایران، اسروز دانشجویان را به سمت‌وسوی تقلیل

جایگاه دانشگاه به آکادمی سوق داده است. رونق گرفتن فعالیت

انجمن‌های علمی، کم‌رنگ‌شدن جلسات سیاسی، تلاش برای

ارتقای رتبه علمی دانشگاه‌ها، برگزاری نشست‌های علمی مختلف

در کنار تأکید بر اصل ضرورت استقلال آکادمی از قدرت و سیاست

موجب بزرگ‌نمایی مقوله علم‌پژوهی در دانشگاه امروز شده است.

سیر تحولات دانشگاه در دو دهه اخیر نشان می‌دهد گذار از سیاست

به بازار(دهه هشتاد) و عبور از بازار به جامعه(دهه نود) نتوانسته به

سرگردانی و بلاکلیفی دانشگاه خاتمه دهد. در روزگاری که تنها یک

نهاد آوانگارد با تفریق دو سات روشنفکری-آکادمیک می‌تواند افقی

جهت‌بروز رفت از بحران‌های پیش‌روی جامعه بگشاید، متأسفانه دانشگاه

همچنان روزهایی سرشار از سرگردانی و بلاکلیفی را تجربه می‌کند.

محیط زیست یا محیط نیست!

علی علیارز در نشریه طنز «تلخ‌دون» که در دانشگاه علوم پزشکی بوشهر منتشر می‌شود، نوشته است:

«دند حقیقت کوتاه درباره محیط‌زیست:

۱- تعریف محیط‌زیست در ویکی‌پدیا مجموعه محیط‌هایی

که در آنها زندگی جریان دارد.

۲- طبق تعریف شماره یک، صف صرفاً‌هی برای خرید

دلار، متروی شهر تهران و ترافیک‌های شهری از مهم‌ترین

محیط‌های زیستی فعلی کشور می‌باشند.

۳- طبق آشنای‌های قدیم، در هوای محیط‌زیست خاک وجود

نداشت، متأسفانه معصومه‌های جدید افسانه‌های قدیمی را

خیلی قبول نداشتند!

۴- پوست تخمه، پوست پسته و حتی پوست میوه‌ها برای

محیط‌زیست کود نمی‌شوند، اگر به فکر کود برای محیط‌زیست

هستید ابزارهای بهتری دارید!

۵- یک کمپین با کیفیت بهتر از صدها کمپین بی‌کیفیت است.

لطفاً در تولید کمپین حمایت از محیط‌زیست صرفه‌جویی کنید و

دانید و آگاه باشید که کم‌زدن و خوب‌زدن بهتر از زیاد زدن و بد

زدن است.

۶- پلنگ‌ها از ارکان اصلی محیط‌زیست هستند و نقش مهمی در

ایکوسستم بازی می‌کنند. با شکار آنها دل محیط‌زیست را خون‌نکنیم.

۷- در گفت‌و فرهنگستان فرهنگ و ادب پارسی، زین پس به جای واژه بیگانه

و نامأنوس محیط‌زیست، از واژه پر‌محتوای محیط نیست استفاده می‌کنیم.

۸- خواندن این متن و حتی شاید کل نشریه تلخ‌دون هیچ کمکی به

حفظ محیط‌زیست نمی‌کند، آدم باشیم و محیط‌زیست‌مان را حفظ کنیم.»



در هفته اول دی‌ماه شاید به اندازه نیمه دوم آذرماه شاهد خبرهای دانشجویی

نباشیم. با این حال نشریات دانشجویی همچنان در اوج فعالیت خود هستند.

در این شماره نیز محتوای مرثر ۱۰ نشریه دانشجویی از نگاه نگارنده مورد بررسی

قرار گرفته است. فعالان نشریات دانشجویی می‌توانند با ارسال فایل نشریات

خود به آدرس mhayati@ مطالب برتر خود را در این صفحه بخوانند.

ایستاده بر عدالت‌خواهی

امین حیدرلو در نشریه «آماج» ارگان بسیج دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی نوشته است:

«همه می‌دانند که در روزگار فعلی باید تنها از «عدالت» گفت. تمام مفاهیم نهی شدند و تأمل در باب «عدالت‌خواهی» است که وجدان آدمی را در این دوران تا حدودی بیدار می‌کند. تنها عدالت، این مظهر لغزیر، این رکن رگینی که به هستی انسان و نظام‌های انسان‌ساز جهت می‌دهد و قوام‌بخشی

یگانه برای صورت‌های مختلف نهادی-نظری واقع می‌شود و بیش از هر سخنی باید پرسید چرا عدالت در افق سیاسی- اقتصادی بشر هیاتی

ظلمانی از خود بروز می‌دهد؟ واقعیت این است که وضعیت فعلی عدالت، تقدیری تاریخی برای بشر محسوب می‌شود. تقدیری که سرمایه‌داری بستر

تثقیق آن با ظهورات مختلف است و دوران فعلی دوران ظهور و حضور

«سرمایه‌داری تئوپولیال» در عمیق‌ترین لایه‌های زیست بشری است.

دورانی که صرفاً اعداد با آدمی «سخن» می‌گویند باید هم سخت

باشد؛ ۵۰ درصد جمعیت جهان هیچ چیز ندارند! این نه فقط آمار

تکان‌دهنده که توصیفی است از «امر محقق» در دوران معاصر.

تفصیل این مطلب در این چند سطر نمی‌گنجد، ولی ذکر این نکته

مفید است که سرمایه‌داری به دو شیوه «امکان موجودیت» برای افراد

قابل می‌شود: «فره» یا در مقام مصرف است یا در موقعیت نیروی کار.

۵۰ درصدی که ذکر آن به میان آمد، در هیچ کدام از این وضعیت‌ها

حضور ندارند و از نظرگاه سرمایه، اینها عملاً «وجود خارجی» ندارند. اگر

هم دارند اصولاً نباید «می‌داشتند»، پس باید آنها نبود کرد. داستان

جایی استثنایی سخت و عجیب‌تر می‌گردد که «انسان معاصر» سخن این

اعداد را می‌شنود و هیچ تکانی نمی‌خورد. تو گویی انسان نیست، و اینجا

نقطه‌ای است که سرمایه‌داری معاصر در هیئت سرمایه‌داری تئوپولیال، دیگر

خود را نه در قالب نظام با نهاد، که در قالب منطق و «حقیقت» ارائه می‌کند؛

«هیچ حقیقتی خارج از بازار وجود ندارد» و همین اصل است که غیر از «بازار» و

نهاد و نظام بازارمدار، برای آدمی «اخلاق»، «دین»، «وجدانی جدید» و نظامی از

واکنش‌های حیوان وار پدید می‌آورد.»

گریه‌های مسیح را بخوانید

نشریه «گفت‌و» ارگان اطلاع‌رسانی انجمن اسلامی دانشگاه خوارزمی است. این نشریه در یکی از

سئون‌های خود به معرفی کتاب گریه‌های مسیح

پرداخته و می‌نویسد: «خواب دیدم تمام مردم

منچستر، شاید هم مردم انگلیس و تمام مردم

دنیا، توی کوچ و خیابان‌ها ایستاده‌اند و آسمان

را تماشا می‌کنند. باران شدیدی می‌بارد و با این

حال هیچ‌کس خیس نشده بود! همه به جایی

خاص در آسمان نگاه می‌کردند، هیچ‌کس نگاه

نمی‌خورد. گنجشک‌ها سرور را بلند کرد و با تعجب به

آن چیزی که همه تماشا می‌کردند، نگاه کردم. آنجا

بالای ابرها مسیح نشسته بود، حق‌هق گریه می‌کرد و

فرشته‌ها داشتند اشک‌های مسیح را از روی گونه‌هایش

با پاک می‌کردند.»

معرفی کتاب: گریه‌های که خواندید، بخشی از کتاب

گریه‌های مسیح بود، با نویسندگی آقای مجید پورولی که

با آشنایی یک پرستار انگلیسی مسیحی و یک مسلمان روس

شروع می‌شود و در ادامه توماس هامر، کارآگاه جوان شهر

منچستر در یک بمبگذاری در ایستگاه مترو، یک مسلمان را

به اتهام بمبگذاری دستگیر می‌کند ولی به‌جای اقرار پدیده

به خانه برمی‌گردد و فرزندش را در دست. در گفت‌وگوهای داخل پدیده

میان سزوان و فرد دستگیر شده، درباره اسلام و آخرین پیامبر

فرستاده شده صحبت‌هایی شده که توماس را نسبت به دین

اسلام و پیامبر بعد از مسیح گنجشک‌ها می‌کند.

گفت‌وگو با آقای کارآفرین

نشریه «خشم» که در دانشگاه صنعتی شریف منتشر می‌شود در شماره اخیر خود سراغ موضوع دانشگاه کارآفرین رفته است. بخشی از این شماره به گفت‌وگو با یکی از اساتید دانشگاه اختصاص دارد که متن کوتاه آن را به ادامه می‌خوانید. «درگیر و دار تب استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، فارغ التحصیلان و دانشجویان مهندسی مکانیک اگر از همه عقب‌تر نباشند، در جایگاه خوبی هم قرار ندارند. دلیل این مساله را هم می‌توان وابستگی زیاد مشاغل مرتبط با مکانیک به تجربه فنی دانست. علاوه بر این نیاز به سرمایه اولیه کلان هم بی‌تأثیر نیست. قطعا در مقایسه با رشته‌هایی مثل کامپیوتر و برق که می‌شود با یک لپ‌تاپ کار را استارت زد، چالش بزرگ‌تری پیش روی مهندسان مکانیک است. در این جلسه از رنگ پژوهش و فناوری، پای‌نظرات دکتر ارفغانی نشستیم که هم‌جزء افرادی هستند که نتوانسته‌اند علی‌رغم این چالش‌ها به فعالیت دانش‌بنیان در زمینه مکانیک بپردازند.

چرا باید دانشگاه خود را درگیر کارآفرینی کند؟

عموم موجودات و پدیده‌ها شامل یک سیر صعودی و بعد از آن یک سیر نزولی هستند. یک نوزاد در ابتدا در شیب صعود قرار دارد و به سرعت پیشرفت می‌کند. در میانسالی به اوج توانایی و مهارت می‌رسد؛ اما بعد از عبور از این بازه قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را به مرور از دست می‌دهد. این مدل را می‌توان به شرکت‌ها، محصولات و... تعمیم داد. حال می‌توان این سیر نزولی را با انجام بعضی از تغییرات و مداخلات کنترل و چه‌بسا معکوس کرد. دانشگاه هم به‌عنوان یک ارگان از همین مدل پیروی می‌کند و باید پس از گذر از هر مرحله با اعمال تغییراتی، دوباره انرژی بگیرد و فعال شود. در آغاز فقط کافی بود که دانشگاه کارشناس تربیت کند. در مرحله بعد نیاز به انجام پژوهش و تحقیق احساس شد و امروز باید در دانشگاه کارآفرینی و روش استفاده از دانش آموزش داده شود تا از افول دانشگاه جلوگیری شود.

آیا دانشگاه باید دست از تحقیق و پژوهش بردارد و بر طراحی و توسعه

محصول تمرکز کند؟

از دید من ما باید به سمت طراحی و توسعه محصول برویم، چون تحقیقات

ما ادهفتند می‌کنند. هر محصولی نیاز به مجموعه‌ای از تکنولوژی‌ها دارد.

این تکنولوژی‌ها هم نیازمند تحقیقات پایه‌ای و بنیادی است. درنهایت امر

دانشگاه هم به تحقیقات می‌پردازد و هم به توسعه و کارآفرینی کمک می‌کند.

در این شرایط این اطمینان ایجاد می‌شود که تحقیقات حتماً در آینده مفید

واقع خواهد شد و تبلور تحقیقات، منجر به تولید محصول کاربردی می‌گردد.

آیا فعالیت دانش‌بنیان در زمینه مکانیک ممکن است؟

اگر به فعالیت دانش‌بنیان از دید طراحی محصول نگاه کنیم، هیچ لزومی ندارد

چیز را زمینه کاری از نظر بگیرید. از دیدگاه طراحی محصول شما می‌توانید هر

چیزی را تولید کنید. هر محصول مستلزم دانش‌های گوناگون از رشته‌های مختلف

است و باید دانش مهندسی مکانیک سهم زیادی را شامل می‌شود.

مقاله با پاننت؟

در یک دانشگاه کارآفرین به جای چاپ مقاله به سمت پتنت حرکت کرد. دلیلی ندارد

که بعد از صرف مقدار زیادی هزینه و زمان، تمامی نتایج را دقیق افشا کنیم و در اختیار

همه قرار دهیم؛ در حالی که می‌شد با آن اطلاعات درآمد کسب کرد. پتنت این مزیت را

دارد که می‌تواند موجب درآمدزایی و منافع شود. همین‌طور می‌توان همان هزینه‌هایی را

که برای شرکت در کنفرانس‌ها صرف می‌شود برای شرکت در نمایشگاه صنعتی صرف کرد.»